



فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص

سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷

قیمت: ۲۰۰۰ تومان



تمرینه

سرمایه اجتماعی سرمایه فراموش شده

راه حلی به نام تحریم؟






خلاصه ای از کتاب سقلمه

معرفی شبکه های عصبی مصنوعی و کاربرد آن در اقتصاد



# گامگاه

## فهرست مطالب:

- ۲..... سرآغاز سخن 
- ۳..... سرمایه فراموش شده 
- ۶..... شبکه های عصبی مصنوعی و کاربرد آن در اقتصاد 
- ۸..... خلاصه کتاب سقلمه 
- ۱۲..... تحریمها 

فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص  
سال اول ■ شماره دوم ■ تابستان ۱۳۹۷



صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی اقتصاد دانشگاه الزهراء(س)

مدیر مسئول: مارال حسینی

سردبیر: مهسا نومی

طراح جلد: مهسا نومی

صفحه آرایی: واحد طراحی نشر غزل آبی

استاد مشاور: آقای دکتر اسماعیل صفرزاده

نویسندگان این شماره:

سیما نورعلی - مارال حسینی - مهسا نومی - زهرا وقاری - فاطمه نوری خوشرو دباری - ندا مظفریان





## سر آغاز سخن . مهسانومی

چقدر با شتاب می‌رود .... زمان را می‌گوییم در این روزهای سخت و البته همراه با طعم تلخی که برای اکثر اقشار مردم دارد، مسائلی مثل فساد که بارزترین آن در اقتصاد است که وجودش همانند یک سم مهلک ریشه‌های یک درخت را می‌خشکاند، پایه‌های اقتصادی ایران عزیزمان را به لرزه در آورده است. حال، با وجود فضای مجازی که بطور کاملاً گسترده در دسترس همگان است، به گمانم دیگر بیان اخبار کمی تکراری بنظر برسد، اما ناگزیر هستیم که بنویسیم از حال این روزهایمان تا شاید راهی بسازیم و یا پیدا کنیم که در میان انبوه آشفتگی‌هایمان، علاج و نور امیدی باشد.

قصد ما شاخصی‌ها نیز این است که با وجود همین مجال اندکی که هست، بتوانیم به نقطه‌ای که خواستگاه مطلوب است برسیم

بعنوان یک \*دانش‌جو\* که در عرصه دانشگاه هستیم که خود این دانشگاه چکیده‌ای از باورهای یک جامعه است، باید در حد توانایی‌های خودمان پلی برای آگاهی بخشی و روشن‌گری در زمینه‌ی علوم انسانی ایجاد کنیم

زیرا با نگاه به دیرینه‌ی سرزمینمان، نشان می‌دهد که دامنه‌ی علوم انسانی بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر از سایر علوم است چون با اموری سر و کار دارد که با موجودی به نام انسان در ارتباط است که در صورت بی‌توجهی به این علم مهم، خسران‌های جبران‌ناپذیری گریبانمان را خواهد گرفت.

با وجود این وضع موجود اقتصادی، خود ما مردم نیز که دم از مسلمان بودنمان می‌زنیم سو استفاده و کم‌فروشی پیشه نکنیم، که قرآن کریم نیز به ما گوشزد می‌کند:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»

خداوند سرنوشت هیچ قومی و «ملتی» را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها خود تغییر دهند.

به امید اتفاقات اثربخش و روزهای بهتر...





# سرمایه فراموش شده

مارال حسینی-سیمانور علی

۴



فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص  
سال اول ■ شماره دوم ■ تابستان ۱۳۹۷



اولین گام در تبیین هر موضوعی که میخواهیم درباره آن به بحث بپردازیم، روشن سازی معناهاست. بیان به جا و مناسب کلمات درست، در تبیین هر موضوعی میتواند راهگشای ما باشد؛ علاوه بر آن تاثیر به سزایی در رفع سوء تفاهمها و احتمالاً کلیشه‌های ایجاد شده در ذهن مخاطب نیز دارد. این بار قرار است درباره سرمایه اجتماعی حرف بزنیم. ابتدا خوب است بدانیم که مفهوم «سرمایه» به چه معناست و سپس با تکیه بر مفهوم سرمایه، سرمایه‌ی اجتماعی را توضیح دهیم.

جستجوهای اولیه درباره مفهوم سرمایه ما را به سمت مفاهیمی مثل: ذخایر مالی، هر نوع دارایی‌های مالی (نقد یا غیر نقد) یا ارزش دارایی‌های مالی، همین طور تجهیزات، ماشین الات و... که برای تولید مورد استفاده قرار میگیرند و... رهنمون می کنند. هم چنین در ادامه درمی یابیم که جوامعی که سرمایه بیشتری نسبت به رقبای خود دارند، عملکرد بهتری نیز خواهند داشت. طول عمر سرمایه زیاد است و برای تولید ثروت به کار گرفته میشود. اینها

همه تعاریف درست از سرمایه است اما هنگامی که لغت «اجتماعی» را به کلمه سرمایه اضافه می کنیم، با مفهومی عمیق، وسیع و البته بسیار ارزشمند و حیاتی روبه رو می شویم. مفهومی بسیار والاتر از تجهیزات و دنیای ماشینی. مفهومی که پایه اساسی آن موجودی به نام انسان است. در تمام این چهل سال اخیر، ما بر سرمایه اقتصادی تاکید داشته ایم؛ یعنی صنایع جدید وارد کشور کنیم، سد بزنیم (در حالی که بعد از انقلاب جمعیتمان دوبرابر شده بود، ما سی برابر رژیم قبل سد ساخته بودیم) و هم زمان به سراغ تولید انبوه سرمایه انسانی هم رفتیم. در این حوزه آن قدر پیش رفتیم که مثلاً تعداد مهندسان ساختمان ما بعد از انقلاب چهل برابر شد یا تعداد فارغ التحصیلان همه رشته‌های مهندسی از ژاپن و کره جنوبی جلو زد اما ما همچنان در شرایط ما قبل توسعه دست و پا میزنیم. چرا؟ چون ما سرمایه اجتماعی را اصلاً نفهمیدیم چیست.

سرمایه اجتماعی امروزه از مسائل به شدت مهم و بحث برانگیز جهان است. یک دارایی اجتماعی که گاه اهمیت





آن حتی از سرمایه‌های انسانی و اقتصادی نیز بسیار بیشتر است. سرمایه اجتماعی همان عنصر لازم برای ایجاد همبستگی اجتماعی و سرانجام تحقق اهداف جامعه است.

سرمایه‌ی اجتماعی بعد معنوی جامعه است. نمونه‌ی آن تشویق افراد به همکاری و مشارکت در تعاملات اجتماعی است. سرمایه اجتماعی اعتماد مردم به حکومت، اعتماد حکومت به مردم، احترام به قوانین، امید به آینده و در کل یک دارایی به شدت ارزشمند است که هر قدر بیشتر باشد باعث می‌شود تا حرکت به سمت رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... سرعت بیشتری بگیرد. می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی هم علت زیرین و پایه‌ی تحولات توسعه‌ای در بلندمدت است و هم یکی از پیامدها و نتایج چنین تحولی. به عبارت دیگر، میان سرمایه اجتماعی و تحولات توسعه‌ای در عرصه‌های اقتصاد و سیاست رابطه‌ی دوسویه وجود دارد که در گذر زمان موجب شکل‌گیری دور فزاینده‌ای از تقویت سرمایه اجتماعی و پیشبرد تحولات توسعه‌ای می‌شود. به علاوه اینکه آن دسته از جوامع که این نوع از سرمایه را بیشتر دارند، مشکلات و معضلات اجتماعی را با هزینه کمتر حل و فصل می‌کنند.

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی، به زندگی فرد، معنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌کند. پس به طور کلی می‌توان گفت: هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد، آن ملت، خوشبخت‌تر و ثروتمندتر خواهد بود (همانطور که در بالا به آن اشاره شد که سرمایه برای تولید ثروت به کار می‌رود)

اعتماد، صداقت، حسن تفاهم، سلامتی نفس، همدردی، دوستی، همبستگی، فداکاری و ایثار، نوع دوستی، درک متقابل و... همه‌ی این مفاهیم را میتوان از اشکال مختلف سرمایه اجتماعی به حساب آورد که اعتماد از مهم‌ترین مولفه‌های آن است. به هر میزان که حس همکاری و اعتماد بیشتری در میان افراد یک جامعه متبلور شود، می‌توان گفت که آن جامعه دارای سرمایه اجتماعی بیشتری است. اعتماد به شدت متاثر از مشارکت است. بعضی مطالعات نشان دهنده اثر نهادهای دموکراتیک بر رفتارهای مشارکتی است. هم چنین واضح است که اگر حس فداکاری، اعتماد و... از بین رود، زندگی اجتماعی دشوار و طاقت‌فرسا خواهد شد. سرمایه‌ی

اجتماعی مطلوب که سراسر مملو از نوع دوستی، همکاری و دیگر ارزش‌های اجتماعی است به قدری مهم است که در شرایط بحرانی می‌تواند به عنوان اولین منبع برای عبور از بحران به حساب آید. در سال‌های اخیر مفهوم اعتماد اجتماعی به مفهومی پرکاربرد برای توضیح و فهم بسیاری از مشکلات اجتماعی تبدیل شده است. وقتی اعتماد نیست، افراد جامعه نیات و اهداف رفتار دیگران را با سوءظن نگاه و ارزیابی می‌کنند و فضای سوءظن راهی برای همکاری نمی‌گذارد.

### ■ سرمایه اجتماعی، نجات دهنده کره‌ای‌ها

۲۱ سال پیش دولت کره جنوبی تا مرز ورشکستگی جلو رفت. کارخانه‌ها یکی پس از دیگری ورشکست شدند، بانک‌ها با حجم انبوهی از وام‌های سررسید گذشته مواجه شدند و فروریختند، سرمایه‌گذاران خارجی نزدیک به ۱۸ میلیارد دلار پول خود را از مملکت بیرون کشیدند و صدها هزار نفر شغل خود را از دست دادند. تنها چاره دولت، توسل به صندوق بین‌المللی پول بود که نهایتاً در دسامبر ۱۹۹۷ موفق به اخذ بزرگترین وام تاریخ به میزان ۵۸ میلیارد دلار گردید. که این خود یک بحران جدید قلمداد می‌شد. دولت بدون اتلاف وقت به تامین مالی برای بازپرداخت وام مشغول شد و در تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۹۸ کمپینی راه انداخت که یکی از بالاترین نمایش‌های وطن پرستی تاریخ محسوب می‌شود. در آن زمان تخمین زده می‌شد که خانوارها معادل حدود ۲۰ میلیارد دلار طلا در قالب گردنبندها، سکه، شمش و... در خانه‌های خود نگهداری می‌کنند. در آن زمان قریب به ۳،۵ میلیون نفر یعنی ربع جمعیت کره داوطلبانه در کمپین کمک طلا به دولت شرکت کردند. صف‌های طولانی مردم از هر قشری در انتظار رسیدن به مرکز اعانه طلا در پاسخ به درخواست دولت برای کمک به اقتصاد ملی تشکیل شد. شرکت‌های بزرگ کره ای از سامسونگ گرفته تا هیوندای و سلبریتی‌ها تمامی قوای بازاریابی خود را برای نشر این شعار به کار بردند. ظرف کمتر از دو ماه، ۲۲۶ تن طلا جمع آوری شد که تمامی آن ذوب و در قالب شمش به صندوق بین‌المللی پول تحویل داده شد. اگرچه این میزان بخشی از بدهی ۵۸ میلیارد دلاری کره بود اما به خوبی نشان دهنده اتحاد و وطن پرستی ملی است.

حال ایران را در نظر بگیرید. اقتصاد ایران برای چندمین



سرمایه اجتماعی در میان حکومت و مردم روز به روز در حال کاهش است.

یکی از دشمن‌های سرمایه اجتماعی، فساد است. فساد در جامعه ایران به قالب بسیار نظام مند و سازمان یافته‌ای درآمد یافته است. تا زمانی که یک اقتصاد درگیر فساد بالا، واگذاری‌های غیر شفاف، قوانین متناقض باشد و کشور، نظام قضایی و دادرسی مستقل، نظام اداری قوی و سالم، نهادهای مدنی ناظر، وجود احزاب هم سنگ کنترل کننده قدرت یکدیگر نداشته باشد، حرف زدن از توسعه بی‌معناست.

به نظر می‌رسد اگر در نتیجه اصلاحات اساسی، اعتماد به مردم بازگردانده نشود آینده خوبی در انتظار ایران عزیزمان نخواهد بود.

#### منابع

- ۱- دانشنامه مالی
- ۲- کتاب مبانی توسعه پایدار در ایران- نشر علم - یادداشت علی دینی ترکمانی
- ۳- مجله حدیث زندگی بهمن و اسفند ۱۳۸۳- شماره ۲۷- مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن
- ۴- کتاب سرمایه فراموش شده - نشر آینده‌نگر

بار دچار بحران ارزی شده است. هرچه رئیس جمهور، رئیس بانک مرکزی، سخنگوی دولت، وزیر اقتصاد و سایر مقامات به مردمی که از ترس کاهش ارزش دارایی‌های خود وارد بازار دلار شدند، هشدار دادند و توصیه کردند که دلار نخرید، واکنش‌ها حرکت در مسیر خلاف این درخواست‌ها بوده است! که این خود مبین وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران است.

#### ■ افول سرمایه اجتماعی در ایران

بالا رفتن ارتفاع دیوارهای منازل و استفاده از سیم‌های خاردار یا نرده بر روی دیوارها نشان از عمیق‌تر شدن بی‌اعتمادی روزافزون در جامعه ایران است. این موضوع خود ریشه در دیگر شاخص سرمایه اجتماعی یعنی رشد بحرانی جرایمی مثل دزدی و سرقت و قتل دارد. عدم رعایت حقوق عابری و رانندگی بد و خطرناک همگی دال بر عدم رعایت فراگیر قوانین و مقررات از سوی افراد و تبدیل ضد ارزش‌ها به ارزش‌هاست. اگر میان سرمایه اجتماعی و شادی رابطه مسقیم وجود داشته باشد، در این صورت، شادی پایین کاملاً ملموس در جامعه ما نیز شاخصی برای سرمایه اجتماعی پایین است. طبق برآوردی که در سال ۲۰۱۶ توسط پژوهشگران سازمان ملل انجام شد، ایران بر مبنای شاخص شادی دارای رتبه ۱۰۵ در بین ۱۵۶ کشور جهان بود. همین‌طور بر مبنای شاخص رفاهی لگاتوم در سال ۲۰۱۷ ایران در گروه کشورهای با سرمایه اجتماعی پایین قرار دارد. شاید بعضی دلشان نخواهد آمارهای جهانی را بپذیرند و طبق معمول به اینکه آمارهای بین‌المللی در بلاد کفر (!) محاسبه می‌شوند، نقد وارد کنند. اما ما در همین ایران زندگی می‌کنیم و می‌بینیم که انگار امروز خیلی بی‌صبریم، خیلی ناامیدیم، خیلی نگران آینده‌ایم، نسبت به هم بی‌اعتمادیم، حق یکدیگر را پایمال می‌کنیم، برای سیاست مدارانمان جوک می‌سازیم و اینها یعنی سرمایه اجتماعی در جامعه ما ته کشیده است. اینکه هر چه مقامات التماس می‌کنند که به جامعه بیاوراند که اوضاع خوب است و نگران نباشند و جامعه باور نمی‌کند، به خاطر این است که





# معرفی شبکه‌های عصبی مصنوعی و کاربرد آن در اقتصاد

ندا مظفری پور

۶



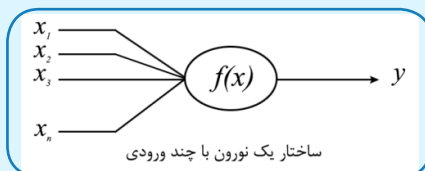
فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص  
سال اول ■ شماره دوم ■ تابستان ۱۳۹۷



را یاد گرفته و از آن برای پیش بینی مقادیر آتی استفاده می‌کنند. از این رو مدل‌های شبکه‌های عصبی مصنوعی جایگاه ویژه‌ای در ادبیات اقتصادی به خصوص برای پیش بینی متغیرها پیدا کرده‌اند.

## ■ ساختار شبکه‌های عصبی مصنوعی

نورون کوچک ترین واحد پردازش اطلاعات است که اساس عملکرد شبکه‌های عصبی را تشکیل می‌دهد. شکل زیر ساختار یک نورون با  $n$  ورودی و یک خروجی را نشان می‌دهد.



البته در حل بسیاری از مسائل یک نورون به تنهایی جوابگو نیست و نیاز به تعداد بیشتری نورون داریم. در این صورت یک لایه خواهیم داشت که از اجتماع چندین نورون به وجود آمده است. نورون می‌تواند یک تابع ریاضی غیر خطی باشد، در این صورت یک شبکه عصبی متشکل از

یکی از اهداف مدل‌سازی و تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی، پیش بینی متغیرهای اقتصادی است که این امر سیاست‌گذاران را در اخذ تصمیمات صحیح و کاربردی یاری می‌کند. درست بودن این تصمیمات نیازمند این است که مقادیر پیش‌بینی شده از صحت و دقت برخوردار بوده و دارای کمترین خطای ممکن باشند. از این رو انتخاب روش و ابزارهای مناسب در مدل‌سازی و پیش بینی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ که به این منظور از روش‌های گوناگون اقتصادسنجی استفاده می‌شود. اما روش دیگری با عنوان شبکه‌های عصبی مصنوعی<sup>۱</sup> (ANN)، برای پیش بینی متغیرها به کار گرفته می‌شود. شبکه‌های عصبی مصنوعی دسته‌ای از شبکه‌های هوشمند مصنوعی هستند که عملکرد مغز انسان را تقلید می‌کنند. همانطور که در مغز، سلول‌های عصبی بسیاری به نام نورون با هم در ارتباط اند و یک شبکه عصبی را تشکیل می‌دهند، در مدل شبکه‌های عصبی مصنوعی نیز واحدهای پردازشی به هم پیوسته برای حل مسائل با هم هماهنگ هستند و روابط پیچیده بین متغیرها

1. Artificial Neural Networks





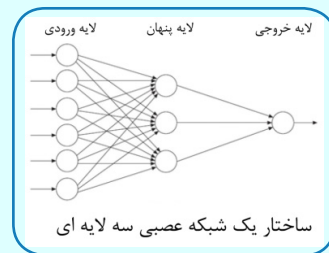
## ■ مقایسه روش شبکه‌های عصبی مصنوعی با روش‌های معمول آماری

از جمله محدودیت‌هایی که روش‌های آماری و اقتصادسنجی در پیش‌بینی دارند، این است که فرم تبعی متغیرهای مستقل و وابسته به درستی تصریح نشود. همچنین در اکثر مواقع برای سادگی، روابط خطی یا لگاریتمی فرض می‌شوند که منجر به نتایج نادرستی می‌شود. اما مدل‌های شبکه عصبی به دلیل ماهیت غیر خطی بودن و توانایی یادگیری می‌توانند مدل‌سازی پدیده‌هایی با رفتار پیچیده و غیر خطی را آسان کنند و کارایی بهتری از خود نشان دهند. یکی دیگر از ویژگی‌های این مدل‌ها، آزادی از قید و بند‌های فرض‌های مدل‌های آماری است که همین ویژگی از نظر برخی اقتصاددانان و آماردانان نقطه ضعفی برای این مدل‌ها است. منتقدان بر این باورند که اگر برای مدل و نتایج به دست آمده، توجیه آماری وجود نداشته باشد و نتوان فاصله اطمینان مقادیر برآورد شده را تعیین کرد، آن روش مناسب و قابل اعتماد نیست. اما برای پیش‌بینی دقیق نیاز به ابزاری داریم که بتواند تمام عوامل موثر در پیش‌بینی را در نظر بگیرد، در حالیکه مدل‌های آماری به گذشته خود نگاه کرده و عواملی مانند رخداد‌های خاص و غیر منتظره و عوامل خارجی و... را مد نظر قرار نمی‌دهند. در چنین حالتی مدل‌های اقتصادسنجی اگرچه توجیه آماری دارند اما نتایج آن‌ها با خطا همراه است. بنابراین با استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی می‌توان به نتایج دقیق‌تری دست یافت. البته باید توجه داشت که استفاده از روش شبکه عصبی مصنوعی زمانی به نتایج درست منتج می‌شود که ساختار شبکه و الگوریتم‌های آموزش و یادگیری، به دقت طراحی و انتخاب شوند.

### ■ منابع

- ۱- سید کمال طیبی، ناصر موحدنیا، معصومه کاظمینی- مقاله "به کارگیری شبکه‌های عصبی مصنوعی در پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی و مقایسه آن با روش‌های اقتصادسنجی: پیش‌بینی روند نرخ ارز در ایران" - مجله علمی و پژوهشی شریف- شهریور ۱۳۸۷ - شماره چهارم و سوم.
- ۲- عبدالرسول قاسمی، حسن اسدپور، مختار شادصادقی- مقاله "کاربرد شبکه عصبی در پیش‌بینی سری‌های زمانی و مقایسه آن با مدل ARI-MA - پژوهشنامه بازرگانی

نورون‌ها، می‌تواند یک سامانه پیچیده و غیر خطی باشد. یک شبکه عصبی معمولاً از سه لایه: ۱- ورودی ۲- پردازش (پنهان) ۳- خروجی تشکیل شده است. لایه ورودی، داده‌ها را دریافت می‌کند و مانند متغیر مستقل عمل می‌کند. لایه خروجی نیز مشابه متغیر وابسته است. و لایه پردازش میان لایه ورودی و خروجی قرار دارد.



## ■ ویژگی شبکه‌های عصبی مصنوعی

شبکه‌های عصبی مفروضاتی در مورد ارتباط بین داده‌ها ندارند و اساس عملکرد آن‌ها بر پایه دو ویژگی مهمشان بنا شده است: ۱- قابلیت آموزش ۲- قابلیت تعمیم. آموزش به این معنی است که شبکه عصبی با دریافت داده‌ها، آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند و الگوها را به دست می‌آورد. و قابلیت تعمیم یعنی اینکه شبکه قادر است با توجه به یادگیری که قبلاً داشته، یک ورودی جدید آموزش داده نشده را بپذیرد و خروجی مناسبی ارائه دهد. در واقع کار شبکه‌های عصبی مانند یادگیری کودکان است که با نشان دادن اشیاء، به مرور ماهیت هر شیء برای کودک مشخص می‌شود.

## ■ تاریخچه شبکه‌های عصبی مصنوعی

پایه شبکه‌های عصبی را کار روزن بلات<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۵۰ تشکیل می‌دهد. سیستم پیشنهادی او قادر بود تصاویر ساده را شناسایی و آن‌ها را دسته‌بندی کند. اواسط دهه ۱۹۸۰ با توسعه و تطبیق شبکه‌های عصبی با ریاضیات، نقطه عطفی برای یافتن جایگاه این مدل‌ها بود. بهره‌گیری از شبکه‌های عصبی مصنوعی در اقتصاد از پیش‌بینی و طبقه‌بندی در بازارهای مالی و پولی (مانند پیش‌بینی تغییرات نرخ سهام) شروع شد و از اواخر دهه ۱۹۹۰ به اقتصاد کلان نیز سرایت کرد. بطوریکه در ایران نیز پژوهش‌هایی در رابطه با پیش‌بینی متغیرهایی مانند نرخ ارز و رشد اقتصادی و... با کمک شبکه‌های عصبی مصنوعی، صورت گرفته است.

1. Rosenblatt



# خلاصه‌ای از کتاب «سقلمه» اثر ریچارد تالر

زهرا وقاری

در اختیار افراد قرار می‌دهیم و با توجه به اینکه پیش‌تر فرض کرده ایم انسان‌ها معقول و منطقی تصمیم می‌گیرند، انتظار داریم هر کس بهترین تصمیم را اتخاذ کند و در انتها تصور می‌کنیم که با این رویکرد، به افراد «آزادی عمل» داده‌ایم. این در حالیست که هر کدام از ما به خوبی تجربه‌هایی درست برخلاف این را به یاد داریم. زمانیکه گزینه‌های زیاد برای انتخاب در دسترس بوده، یا انتخاب اشتباه انجام داده ایم و یا حتی بر مبنای شانس انتخاب کرده‌ایم!

ریچارد تیلر و کاس آر سانستین در کتاب «سقلمه» راهکاری برای این مسئله پیشنهاد می‌کنند. نویسندگان می‌پذیرند که آزادی عمل و انتخاب افراد باید همواره حفظ شود، اما برای

«فرض رفتار عقلایی» از جمله نخستین مباحثی است که در هر کلاس مبانی علم اقتصاد مطرح می‌شود. طبق همین اصل ساده هر کدام از ما به تنهایی، با دقت و سرعت یک کامپیوتر می‌توانیم نتایج حاصل از هر کدام از گزینه‌های پیش روی خود را تحلیل، و در خصوص انتخاب یا عدم انتخاب هریک تصمیم بگیریم. فرضی که انسان را علاوه بر آنچه گفته شد، موجودی کاملاً خودخواه نیز در نظر می‌گیرد. و همه‌ی ما به خوبی می‌دانیم قبل و حتی بعد از آشنایی با این اصل، بارها و بارها آن را زیر پا گذاشته‌ایم.

ایده حداکثرسازی رضایتمندی ناشی از انتخاب افراد، ایده پر طرفدار دیگری در اقتصاد است. بنابر این نظریه، ما حداکثر گزینه‌های ممکن را





هر فرد انسانی، دو نوع طرز تفکر خودکار و بازتابی دارد. ما با سیستم خودکار به زبان مادری صحبت می‌کنیم ولی با سیستم بازتابی، سعی در یادگیری و به کار بردن زبان جدید داریم



مواردی که این آزادی میتواند به ضرر افراد باشد، راهکاری تحت عنوان «قیم مآبی آزادی خواهانه» مطرح میکنند. در اصل با در پیش گرفتن این راهکار، ما گزینه‌های پیش روی افراد را محدود نمی‌کنیم، بلکه آنها را با «سقلمه» به سوی انتخاب درست، هدایت می‌کنیم. به عنوان مثال می‌توانیم مسئله نحوه چیدمان خوراکی‌ها در بوفه مدرسه را در نظر بگیریم. مسئول این چیدمان می‌تواند تنها با دور از دسترس قرار دادن خوراکی‌هایی که چندان برای سلامت دانش‌آموزان مفید نیستند، بدون حذف آنها از لیست، میزان انتخاب آنها را کاهش دهد. در این مثال، گزینه‌های پیش روی دانش‌آموزان محدود نشد، اما آنها با یک سقلمه‌ی ساده به سمت انتخاب صحیح هدایت شدند.

یک انسان عادی (کسی که همه‌ی ما هستیم) چه تفاوت‌هایی با انسان اقتصادی که در فروض اقتصاد توصیف میشود دارد؟

کتاب در بخش اول به پاسخ این پرسش می‌پردازد. در این کتاب ابتدا با سوگیری‌ها و خطاهای رفتارهای انسانی آشنا می‌شویم. می‌بینیم که هر فرد انسانی، دو نوع طرز تفکر خودکار و بازتابی دارد. ما با سیستم خودکار به زبان مادری صحبت می‌کنیم ولی با سیستم بازتابی، سعی در یادگیری و به کار بردن زبان

جدید داریم. این سیستم خودکار مغز ماست که باعث می‌شود با دیدن حیوانات لبخند بزنییم اما ضرب ۳۷ در ۴۴ را سیستم بازتابی ما به عهده می‌گیرد و مثال‌هایی از این دست. قانون دیگری که بر تصمیم‌گیری‌های ما حاکم است، قانون «لنگر اندازی» است. منظور از لنگر، نقطه شروع جریان افکار ماست. تحقیقات نشان داده‌اند که این نقطه در انتخاب نهایی ما به شدت تاثیر گذار است. در این کتاب لنگرها به عنوان سقلمه عمل می‌کنند و اگر هوشمندانه انتخاب شوند، می‌توانند جریان افکار را به درستی هدایت کنند. از جمله اصول دیگر مطرح در کتاب میتوان به اصل «دسترسی به اطلاعات» اشاره کرد. طبق این اصل هر چه اطلاعات مربوط به وقوع یک پیشامد خاص با سهولت بیشتر در دسترس ما قرار بگیرد، آن پیشامد را محتمل‌تر فرض می‌کنیم. در ادامه‌ی این بخش از کتاب به ویژگی‌های دیگری نیز اشاره می‌شود که برای مثال انسان‌ها عموماً بیشتر از چیزی که باید خوش بین هستند و بعضاً اعتماد به نفس کاذب دارند. (بیشتر ما در ابتدای ترم یا زمان انتخاب واحد توانایی خود را بیش از حد واقعی ارزیابی می‌کنیم).

علاوه بر تمام موارد یاد شده، کتاب ویژگی از انسان‌ها را که در ابتدا توسط ویلیام ساموئلسون و ریچارد زکهاوزر (۱۹۸۸) معرفی شده بود را مطرح می‌کند که می‌تواند در تعیین جهت رفتارهای آینده‌ی افراد بسیار مفید باشد: « ما





قسمتی از کتاب پیشنهاد می‌کند اگر هزینه‌های استفاده از به طور مثال انرژی را برای افراد پررنگ تر کنیم، در راه کاهش مصرف انرژی بسیار موفق تر از سایر استراتژی‌های مورد استفاده عمل خواهد کرد.



انسان‌ها، ترجیح می‌دهیم در وضعیت موجود بمانیم». یکی از دلایلی که انسان‌ها چنین تمایلی دارند، «زیان‌گریزی» است. نکته قابل توجه در خصوص رفتار انسان‌ها این است که ناراحتی ناشی از دست دادن چیزی، دو برابر شادی حاصل از بدست آوردن آن است! اما فارغ از دلایل تمام این ویژگی‌ها، باید دید آگاهی از آنها چگونه می‌تواند مفید باشد. مسئله‌ی اساسی پیش روی ما این است که باید به یاد بیاوریم انسان جایز الخطاست. علاوه بر این بسیار پر مشغله و در تلاشی دائم برای برگزیدن گزینه‌ای از میان تمام گزینه‌های پیش روست. سقلمه‌ی ابرازی است که، انسان عادی جایز الخطای پر مشغله را به سوی انتخاب بهترین گزینه هدایت می‌کند. و لازمه‌ی طراحی سقلمه‌های مناسب، شناخت خطاهای رفتاری انسان‌هاست. برای مثال وقتی بدانیم انسان‌ها تمایلی ذاتی به ماندن در وضعیت موجود دارند، می‌توانیم از این تمایل برای طراحی گزینه‌های پیش فرض بسیار دقیق بهره بگیریم.

«معماری انتخاب» مبحث دیگری است که نویسندگان در ادامه به آن می‌پردازند. پیش‌تر دیدیم که ایده‌ی اصلی سقلمه نه بر اساس محدودسازی گزینه‌های پیش رو، بلکه بر مبنای هدایت مصرف‌کنندگان به سوی گزینه‌ای که به نفع آنهاست، استوار است. اما برای معماری انتخاب چه مسائلی باید در نظر گرفته شوند؟

یکی از مهم‌ترین اهرم‌ها در این راستا،

تمایل افراد به تغییر ندادن گزینه‌های پیش فرض است. از این عقیده‌ی افراد میتوان در راستای بهتر و یا ساده تر کردن زندگی آنها بهره برد. برای مثال می‌توان گزینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری را در یک سبد سهام پیش فرض به آنها پیشنهاد نمود و بدون هیچگونه اجباری، تنها یاد آوری کرد که این سبد توسط متخصصان بازار سرمایه تنظیم شده است و یا موارد دیگری از این دست که همواره با تاکید بر حفظ حق انتخاب افراد، انتخاب‌های پیچیده را برایشان ساده و مطمئن تر می‌کند. علاوه بر این یک سیستم معماری انتخاب باید «احتمال خطا» را نیز در نظر بگیرد و قابلیت نادیده گرفتن این خطاها را تا حد تعیین شده داشته باشد. برای مثال در کتاب، مفهومی به عنوان «خطای پس از تکمیل» معرفی می‌شود. به این معنا که مغز انسان تمایل دارد بعد از اتمام کار، تمام مراحل قبلی را از یاد ببرد. دستگاه‌های خودپرداز بانک‌ها را در نظر بگیرید. علت اینکه قبل از دریافت وجه نقد، کارت بانکی را تحویل می‌گیریم همین است. در واقع اگر ترتیب برعکس این حالت بود، بسیاری از افراد کارت‌های بانکی خود را فراموش می‌کردند. سیستم معماری انتخاب این خطا را در نظر گرفته و آن را با استراتژی دیگری به اسم «عملکرد اجباری» که همان اجبار در دریافت کارت قبل از وجه نقد است، اصلاح کرده است. ویژگی دیگری که در این بخش از کتاب مورد توجه قرار می‌گیرد، انگیزه‌های انسان‌هاست.





سوال را از خود بپرسد که چه الزامی بر هم جهت بودن منافع مصرف کنندگان و معماران انتخاب وجود دارد؟ اگر یک معمار انتخاب سقلمه را برای حداکثرسازی منافع خود و نه منافع مصرف کننده طراحی کند چه اتفاقی می‌افتد؟ در پاسخ می‌توان گفت، منافع یک معمار ساختمان نیز با نفع خریدار آن واحد متفاوت است اما این دلیلی برای طراحی نکردن معمار نیست. کافی است سیستم‌های نظارتی قوی بر عملکرد معماران انتخاب (دولتی و خصوصی) اعمال شود تا از مشکلات احتمالی آینده پیشگیری شود. از جمله انتقادات دیگر وارد بر این نظریه حفظ حق اشتباه کردن انسان‌هاست. طرفداران این نظر معتقدند انسان‌ها باید با آزادی کامل انتخاب کرده و مسئولیت اشتباه خود را نیز بپذیرند. تیلر اما معتقد است بهتر است به جای اینکه در خیابان با یک اتوبوس تصادف کنیم تا متوجه شویم چنین خطری وجود دارد، بهتر است یک علامت هشداردهنده در گوشه خیابان نصب شود از طرفی او اعتقاد دارد دلیل اصلی طراحی این سقلمه‌ها، برای مثال سقلمه‌های مربوط به وام مسکن حمایت از گروه آسیب‌پذیر و کم درآمد جامعه است که موضوع پر اهمیتی است.

در واقع راه حل تیلر در این کتاب اصلاح رفتارهای اقتصادی از طریق زدن سقلمه است. او معتقد است مهم‌ترین جنبه‌ی پژوهش‌هایش پذیرش این واقعیت است که انسان‌ها یکی از عوامل مهم در تعیین وضعیت اقتصادی هستند و الگوهای اقتصادی باید این عامل را در نظر بگیرند.

این قسمت از کتاب پیشنهاد می‌کند اگر هزینه‌های استفاده از به طور مثال انرژی را برای افراد پررنگ‌تر کنیم، در راه کاهش مصرف انرژی بسیار موفق‌تر از سایر استراتژی‌های مورد استفاده عمل خواهد کرد.

در ادامه‌ی کتاب پیشنهاد های فراوانی در ارتباط با مسائل مختلف از جمله بیمه‌های سلامت، نظام تامین اجتماعی یا مسائل زیست محیطی مطرح می‌شود و در مورد هر یک مثال‌هایی از تجربه‌های کشورهای مختلف آورده می‌شود. علاوه بر این نویسندگان اشتباهات هر کشور و راهکارهای بهتر که با طراحی سقلمه‌های مناسب قابل اجرا بود را مطرح می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین موارد مطرح شده در کتاب، مشکلات مربوط به دریافت وام مسکن برای افراد کم درآمد است. نویسندگان در این راستا پیشنهاد می‌کنند که طراحان قرارداد باید الزامات شرایط را به روش‌های کاملاً قابل درک و واضح برای متقاضیان وام شرح دهند تا افراد کم درآمد وامی دریافت نکنند که قادر به بازپرداخت آن نیستند.

اما بخش پایانی به پاسخ انتقادات وارد بر نظریه اختصاص دارد. به طور مثال هر کسی ممکن است این





# تحریم‌ها

مهسا نومی

شاید بتوان گفت که تحریم، یکی از آشنا ترین موضوعاتی بوده که در سال‌های گذشته کشور ما را تحت تاثیر قرار داده است. تحریم شاید گزینه مناسبی در مقایسه با جنگ نظامی در منازعات بین المللی باشد، گزینه‌ای که حتی کم در دسر تر و کم خرج تر است.

در سال‌های گذشته کشور ما تحریم‌های زیادی را تجربه کرده است. این تحریم‌ها چه از جانب شورای امنیت و چه از جانب ایالات متحده پیرامون چند محور کلی بوده است:

تحریم‌های سیاسی: که این گونه تحریم‌ها عموماً سبب کم رنگ شدن تاثیر ایران در تصمیم‌گیری‌های بین المللی بوده است.

تحریم‌های علمی و فنی: که غالباً سبب جلوگیری از پیشرفت ایران در حوزه‌های مختلف علمی بوده که این موضوع توسعه کشور را در فراگیری و استفاده از علم روز دنیا با چالش اساسی مواجه می‌کرده است.

تحریم‌های نظامی: که می‌توان گفت یکی از زیر بخش‌های تحریم علمی است و امکان تعامل ایران برای داد ستد ابزار جنگی و یا حتی تکنولوژی ساخت سلاح‌های مختلف را از ایران می‌گرفته است.

تحریم‌های اقتصادی: که شاید بتوان آن را هم ارز با یک جنگ نظامی دانست چراکه جامع‌ترین نوع تحریم‌ها و در برگیرنده تمامی جنبه‌های تحریم‌ها است.

تحریم اقتصادی به این خاطر هم ارز با جنگ نظامی است که تقریباً کل جامعه را تحت الشعاع فرا می‌دهد. به طور مثال شاید تحریم شخصیت‌های حقیقی سران یک کشور و یا حتی تحریم‌های نظامی، برای افشار مختلف جامعه ملموس نباشد اما تحریم‌های اقتصادی غالباً به سرعت در بطن جامعه نفوذ می‌کند و می‌توان حتی تأثیرات روانی قابل توجهی بر جامعه بگذارد. وابستگی بودجه کشور به نفت، بزرگترین اهرم فشار در اثربخش کردن تحریم‌ها بوده است. نفت به عنوان کالایی جهت فروش و تأمین هزینه‌های جاری کشور در نظر گرفته می‌شود. البته قابل ذکر است که در روابط بین الملل، تحریم‌های اقتصادی معمولاً به دو صورت تجاری و مالی می‌باشند که در تحریم‌های تجاری، صادرات و واردات به کشور هدف تحریم، محدود یا قطع می‌شود؛ اما در تحریم‌های مالی انجام معاملات مالی، نقل و انتقال پول و سرمایه‌گذاری با کشور هدف محدود و یا قطع می‌شود. با توجه به آنکه امروزه بخش اعظم تجارت و سایر فعالیت‌های اقتصادی، بستگی به دسترسی به منابع مالی دارد، بنابراین می‌توان تحریم مالی را مهمترین مخاطره در حوزه تحریم‌های اقتصادی تلقی نمود. تحریم بانکی در ردیف تحریم‌های مالی دسته بندی می‌شود. مهمترین هدف از تحریم بانک‌ها، ایجاد اختلال در نظام بانکی و مبادلات مالی و در نتیجه کاهش تجارت خارجی است که منجر به افزایش انواع هزینه‌ها، افزایش ریسک‌های بانک، ایجاد جو روانی منفی در ابعاد مختلف علیه بانک نظیر کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی و کاهش تعاملات بانکی بین‌المللی می‌شود.

البته این تحریم‌ها همواره پیش‌فرض‌هایی برای کشور هدف داشته است. به طور مثال ریچارد نفیو در کتاب هنر تحریم‌ها، عنوان می‌کند که سال‌های سال تحریم کشور عراق برای ایالات متحده جز هدر رفت منابع، نتیجه دیگری نداشته است. در واقع راه اجرای تحریم برای کشور عراق هم تراز با شکست آمریکا در صحنه بین‌المللی بود. این اما به واسطه نداشتن شناخت کشور هدف و در نظر نگرفتن زیرساخت‌های این کشور، چنین نتیجه‌ای را ایجاد کرده است. سال‌های سال تحریم در تمامی زمینه‌ها به خصوص تحریم‌های اقتصادی برای کشور عراق، تنها به واسطه عدم اتخاذ تصمیم‌های معقول و منطقی در برابر این سیاست‌ها سبب شد تا دولت صدام به واسطه نابود کردن منابع کشور، هرگز در برابر تحریم‌ها ضعف نشان ندهد. در حقیقت خودخواهی صدام که تصور می‌کرد با پذیرش برخی شرایط، به چهره عراق در سطح بین‌الملل خدشه وارد می‌شود، سبب شد تا کشور با رکود بی سابقه و بیکاری تا نسبت ۸۰ درصد درگیر شود. اما







در ایران شرایط به گونه دیگری بود. ایالات متحده که به بهانه ساخت سلاح هسته ای کشور ما را خطری برای صلح جهانی معرفی کرده بود، این بار با کوله باری از تجربه تلخ در کشور عراق که در نهایت منجر به اتخاذ همان تصمیم پر هزینه تر گزینه نظامی شد، به تشدید و تدوین تحریم‌هایی نو برای کشور ما پرداخت. ایران به لحاظ داشتن زیرساخت های متفاوت، پیشرفت تکنولوژی، اعتقادات مذهبی و بسیاری موارد دیگر، غیر قابل مقایسه با کشور عراق بود. ایران با ورود به مذاکرات هسته ای برای رد ادعاهای آمریکا، تصمیمی کاملاً متفاوت با دولت عراق اتخاذ کرد. مذاکرات هسته‌ای که در نهایت به برجام منتهی شد، نمونه‌ای کامل از روحیه صلح طلبی ایران در صحنه‌های بین المللی بود.

مورد دیگری که می توان به آن اشاره کرد، دسترسی

آزاد به اطلاعات و پیشرفت تکنولوژی ایران در مقایسه با کشور عراق است. کشور عراق در خصوص ارتباطات به شدت کشور بسته‌ای بوده است، در صورتی که در ایران مخابره آزادانه اطلاعات صورت می‌گیرد. این کار دسترسی آزاد مردم ایران به منابع خبری که توسط دولت‌های تحریم کننده انجام می‌شد را ساده‌تر می‌کرد. یعنی تاثیر جنگ روانی دولت‌های تحریم کننده بر جامعه نه تنها به واسطه تضعیف اقتصاد کشور ایجاد می‌کند بلکه از طریق تبلیغات منفی علیه کشور ما و زیبا جلوه دادن زندگی دیگر کشورها، در مخاطب این ذهنیت را ایجاد می‌کند که در جایی بیرون از این مرز تنها به واسطه پذیرفتن ادعاهای کشورهای دیگر، زندگی بهتری در جریان است. اگرچه با تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور فعلی ایالات متحده آمریکا، مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای و از سرگیری روند تهدیدات آمریکا علیه کشور ما، شیرینی بهبود شرایط اقتصادی برای جامعه ما پس از توافق برجام آنچنان ملموس نبوده است، اما ایران با پایبندی به توافقی جامع و جهانی اثبات کرد که تحریم‌های سی ساله، همواره به ناحق بر مردم ایران تحمیل شده است.

هرچند که مسیر توسعه برای کشور ما با وجود تشدید تحریم‌ها ناهموار است اما این به این معنا نیست که نتوان با مدیریت صحیح و نگاه درونزا به تولید، کشور را از بحران‌های احتمالی نجات داد.

منبع:

کتاب هنر تحریم‌ها اثر ریچارد نفی